

سفته و برات معمول و مرسوم است.
 - امتناع بانک‌ها از افتتاح حساب جاری برای اشخاص فاقد شرایط.
 - مقید شدن بانک‌ها به ارایه چک‌هایی تا سقف معین به مشتریان.
 - تشدید مجازات صادرکننده (چنانچه حذف عنصر قانونی جرم مورد قبول واقع نشود) و تعیین مجازات برای گیرندگان چک‌های مشمول ماده ۱۳ قانون (چنانچه با عدم اطلاع تحصیل نموده باشند).
 - تفتیق قانون صدور چک و مواد مربوط به چک در قانون تجارت (ماده ۳۱۰ به بعد) و تصویب قانونی جامع و مانع با استفاده از تخصص و تجربیات حقوقدانان، اعم از قضات و وکلا و مدیران و کارشناسان حقوقی بانک‌ها.
 - مقایسه و مطابقت قانون با قوانین جاری سایر کشورها و عنداللزوم استخراج جهات مثبت و استفاده از آن در تصویب قانونی جامع‌الشمول.
 ● ازاینکه در این مصاحبه شرکت فرمودید، از شما سپاسگزاریم.

○ در این خصوص موارد مشروحه زیر مؤثر بنظر می‌رسد:
 - رفع ابهامات از قانون صدور چک، به نحوی که راه تفسیرهای ناصحیح بسته شود.
 - اجرای دقیق قانون و انجام اصلاحاتی در آن.
 - حذف عنصر قانونی جرم از متن قانون صدور چک (باعنایت به قانون تشدید مجازات مرتکبین اختلاس و ارتشا و کلاهبرداری و وجود اهرم‌های لازم در قانون مذکور برای تحت تعقیب قراردادن صادرکننده چک بلامحل به عنوان کلاهبرداری).
 - اختصاص شعبی از محاکمه دادگستری برای رسیدگی به دعاوی چک (باتوجه به میزان و کثرت دعاوی مطروحه).
 - احیای اجرای مواد مربوط به چک در قانون تجارت.
 - تقویت سایر اسناد تجاری مانند سفته.
 - قراردادن چک در ردیف اسناد و اوراق بهادار از طریق الصاق تمبر و اخذ هزینه، به نحوی که در مورد



قربانیان اقتصاد

انتظارات کور

دکتر غلامحسین عبیری

دیگر را "چک" گویند. اگر چه این وسیله مبادله پول بسیار ساده و مورد قبول همگان است، اما یک پیشنهاد قانونی (legal tender) نیست و هیچگاه نمی‌توان آن را به عنوان یک ورقه بهادار به دیگران تحمیل کرد.

مقدمه

سفارش کتبی یک مشتری به بانک برای پرداخت وجه یا انتقال وجوه از یک حساب پس‌انداز به حساب

● امروزه چک به عنوان یک ابزار مبادله در بازارهای پولی، جای پول نقد را گرفته و در عمل، توانسته است به سرعت گردش پول - کالا و خدمات بیفزاید.

بازرگانان و مبادلات اقتصادی



اقتصاد ایران با تولید ناخالص منی حدود ۱۳۵ میلیارد دلار و بودجه ۳۲/۶ میلیارد دلاری دولت، با نرخ تورم تقریبی ۱۹/۹ درصد و بیکاری ۱۶/۴ درصد و ضریب جینی ۰۰/۲۵ دارای قدرت تشکیل سرمایه ۱۰ میلیارد دلار می‌باشد. از سوی دیگر، برآورد می‌شود که ۱۵/۵ میلیون نفر از ۱۸ میلیون نفر نیروی کار ظاهراً شاغل بوده و ۷/۲ میلیون نفر، یعنی ۲۶ درصد آنان در بخش خدمات به کار مشغول می‌باشند.

با این مختصات اقتصادی، تعداد حساب‌های جاری فعال در کشور میلیون‌ها فقره برآورد می‌شود و طبیعتاً برخی از بازرگانان از بیش از دو تا سه دسته چک برای مبادلات پولی خود استفاده می‌کنند.

آنچه محصول این ویژگی‌های کلان اقتصادی می‌باشد، نشان می‌دهد که ۱۵ درصد کل متهمان دادگاه‌ها مربوط به دعاوی چک است و بعد از مواد مخدر بالاترین میزان جرایم مربوط به چک‌های برگشتی است. لذا انتظار معقول این است که بخشی از این فرآیند به دلایل مختلف از کارایی برخوردار نبوده و به صورتی جرم آفرین عمل کند.

شکی نیست که بازرگانان در مبادلات اقتصادی به سود حداکثر فکر می‌کنند. اما ضرورتاً شکاف بین سود حداکثر و سود متعارف به مفهوم دریافت رانت اقتصادی و انباشت ثروت بی‌رویه نیست. بلکه مکانیسم غلط گردش سرمایه، با حضور به اصطلاح "شرخوها" در فرآیندهای تجاری، رونق تصمیم‌گیری‌های منی را منحرف و زیرو می‌سازد.

بازرگانان مبنای سود اقتصادی مورد انتظار خود را که از آن در ادبیات اقتصادی با عنوان نرخ بهره یاد می‌شود، بر مبنای فرمول زیر محاسبه می‌کنند: $r = r^* - \pi^e$ که در آن، π^e نرخ کورم مورد انتظار، r^* نرخ بهره اسمی و r نرخ بهره واقعی می‌باشد.^(۳) با اندکی تغییر نرخ بهره اسمی از مجموع نرخ بهره واقعی و نرخ تورم مورد انتظار بدست می‌آید. حال، اگر ریسک سرمایه‌گذاری و عدم اعتماد به گردش سرمایه را نیز دخالت دهند (۵)، آنگاه نرخ بهره اسمی تسایع نرخ بهره واقعی، نرخ تورم و ریسک سرمایه‌گذاری خواهد بود، یعنی: $r = r^* + \pi^e + \delta$

ملاحظه می‌کنید که یک بازرگان در بهترین شرایط اقتصادی می‌بایست برای حفظ اخلاق اقتصادی، تابع شرایط بازار باشد. بازاری انحصاری و تحت کنترل دولت که هر آن احتمال رکود آن می‌رود. در این شرایط، ملاحظات مذهبی و رعایت حال مردم باعث می‌شود که سرمایه‌گذار یا بازرگان همواره در شرایط عدم اطمینان نسبت به دریافت‌ها و نتیجتاً پرداخت‌های خود قرار داشته باشد. توجه داشته باشید که در شرایط موجود اقتصادی

بیشتر بازرگانان با حمایت بانک‌ها، چک را در داد و ستد خود قرار می‌دهند، مگر اینکه مشتری از هر جهت قابل اعتماد باشد. از دیدگاه بانکداری نیز چک‌هایی مورد قبول قرار می‌گیرند که صادرکنندگان آنها همواره اعتبار کافی را در موازنه پرداخت‌های خود رعایت کرده باشند.^(۱)

بر خلاف نگاه اقتصادی فوق، از دیدگاه حقوقی، cheque یک صورت حساب مبادله برداشت وجه از حساب بانکی براساس تقاضا است. از آنجا که مبلغ چک بر مبنای تقاضا پرداخت می‌شود، لذا تأیید بانک عامل برای پذیرش لازم نیست. لذا چک به عنوان یک سفارش برای برداشت از حساب مشتری توسط بانک عامل مورد قبول است.^(۲)

به این تعاریف علمی و مستند که در حوزه مباحث نظری، از اهمیت خاصی برخوردار است، امروز چک به عنوان یک ابزار مبادله در بازارهای پولی جای پول نقد را گرفته و در عمل توانسته است به سرعت گردش پول - کالا و خدمات بیفزاید.

در شرایط متعارف، این ابزار انتظار معقول و زمینه خدمات رسانی به بازرگانان را در سطح گسترده‌ای فراهم می‌سازد. اما امروزه شرایط اقتصاد ایران به نحوی است که بخش قابل توجهی از اقتصاد به صورت سنتی اداره می‌شود و تعادل در بازارهای کالا و خدمات، بازار سرمایه و بازار کار وجود ندارد و تورم دو رقمی ضوابط هم سطح انتظارات مردم را نسبت به رابطه منفی بین قیمت و ارزش‌ها دچار تزلزل نموده و مزید بر همه، بازرگانان را قاجاق و غیر رسمی در شرایط توزیع نابرابر امکانات و وجود بیکاری گسترده، حاکمیت روابط ضد بهره‌ور را بر نظام اقتصادی تحمیل کرده است.

در این شرایط، نحوه برخورد مقامات انتظامی و قضایی با صاحبان چک به صورتی درآمدی که با آنان به عنوان تروریست‌های اقتصادی رفتار می‌شود و تمامی نابسامانی‌های اقتصادی را در همین محدوده خاتمه یافته تلقی می‌کنند. این در حالیست که سالانه هزاران شرکت و بنگاه اقتصادی باورشکستگی روبرو می‌شوند و هزاران نفر به علت عدم پرداخت چک در زمان مقرر پشت میله‌های زندان بسر می‌برند.

در این مقاله سعی می‌شود از دیدگاه اقتصادی نقش عوامی از قبیل بیکاری، رکود اقتصادی و تورم در رفتار بازرگانان مورد ارزیابی قرار گیرد و نتیجه‌گیری شود که آیا صادرکنندگان چک‌های بی‌محل عامل ایجاد بحران اقتصادی هستند، یا بحران اقتصادی در ایجاد زمینه انحراف این بازرگانان نقش کلیدی را عهده‌دار است؟

● آیا صادرکنندگان چک‌های بی‌محل عامل اصلی در ایجاد بحران اقتصادی هستند یا بحران اقتصادی زمینه انحراف آنان را فراهم آورده است؟



خدمات است.

در این مرحله، جرم اقتصادی بوقوع می‌پیوندد و از دیدگاه حقوقی، بازرگان قابل اعتماد بازار در لباس مجرم ظاهر می‌شود. لذا ملاحظه می‌شود که هرگونه رکود اقتصادی یا تورم - اعم از اینکه منشاء داخلی داشته باشد یا خارجی - در ایجاد اغتشاش در بازار و عدم اطمینان میان تجار مؤثر واقع شده و شرایط نابسامانی را برای ارتباطات میان صاحبان سرمایه فراهم می‌آورد. از این رو است که مدیریت اقتصادی یک هنر است و باید جلوی ورود این محرک‌های نامناسب را گرفت.

شکی نیست که در شرایط اقتصادی ایران که بانک‌ها دولتی است و جناح‌ها یا احزاب سیاسی قدرت اقتصادی را در دست داشته و توازن پایدار میان احزاب وجود ندارد. مدیریت ضعیف ارتباطی و قانون‌گریز باعث شده است که بیشتر از توان عرضه واقعی پول، اعتبارات پولی در شکل "دسته چک" به جریان افتد و رابطه‌های اقتصادی انسانی را به "جنگل اقتصادی" تبدیل کند. طبیعی است که در جنگل هم خوی درندگی اجتناب‌ناپذیر است و محصول این شرایط اقتصادی، روند روبه افزایش جرایم مادی است.

بیکاری و تجارت آزاد

مست‌فغانه بی‌حرمتی به "بازار" با قدرت گرفتن "دولت" طی چند دهه اخیر باعث شد که معنی و مفهوم "بازار" از حالت یک نهاد اقتصادی تثبیت‌کننده و خدمات‌رسان به سایر نهادهای اجتماعی، به حالت یک نهاد توطئه‌گر و مزاحم روند رشد اقتصادی تغییر یابد. عامل اصلی کم توجهی به ارزش‌های درونی بازار نیز دولت بود. دولت برای کسب قدرت، به اشتغال‌زایی رو آورد و هرگونه اشتغال در بازار را نوعی شغل کاذب تلقی کرد، در حالیکه مدیریت بازار از مدیریت سازمان‌های دولتی به مراتب پیچیده‌تر و اشتغال در بازار به مراتب پویاتر از اشتغال‌های دولتی بود، به ویژه دولت‌هایی که با حمایت ابر قدرت‌ها، هویت خود را باز می‌یافتند.

در این جنگ و گریز، هیچگاه بازار و دولت به یک توافق پایدار دست نیافتند و همواره یکدیگر را متهم به وابستگی، دست‌نشاندهی و سرسپردگی نمودند. در حالیکه وجود هر دوی آن‌ها مکمل توسعه پایدار بود و پشتیبانی آنان از یکدیگر برای تأمین استقلال می و حفظ ارزش‌ها کاملاً ضروری و اجتناب‌ناپذیر به نظر می‌رسید. از جمله خیانت‌هایی که به بازار شد، متهم کردن بازار به "غیر مولد" بودن است، که در ابتدای راه توسط برخی از صاحب‌نظران اقتصادی مانند پل باران (Paul Baran) مطرح شد که آژانس‌های تبلیغاتی، دلالان، بازرگانان، سفته‌بازان

ایران که سرمایه‌گذاری در بین کشورهای مورد مطالعه بالاترین میزان "خطر پذیری" را دارد و با تحریم اقتصادی نیز روبرو است، مشارکت در بازار چندان عقلایی به نظر نمی‌رسد، اما از آنجا که کناره‌گیری از بازار هم به معنای از دست دادن "اعتبار" تلقی می‌شود، لذا لازم است که تنها برای "خالی نبودن عریضه" به بالا بردن پرده کرکره و حضور فیزیکی خالی از انگیزه داد و ستد کفایت شود، زیرا عدم فروش کالاهای موجود در انبار به معنای افزایش قیمت اسمی یا درآمد در آینده تلقی می‌شود.

تورم و رفتار بازرگانان

افزایش هزینه تولید کالا و خدمات نوعی تورم قیمت‌ها است که همراه با افزایش قیمت مواد اولیه یا دیگر محصولات وارداتی به تولید داخلی تحمیل می‌شود. این افزایش هزینه می‌تواند در نتیجه افزایش قیمت عوامل تولید داخلی نیز بوجود آید. این نوع تورم برخلاف تورم ناشی از افزایش تقاضای محصول است. وجود تقاضای اضافی در شرایطی که عرضه کل به حالت اشتغال کامل عوامل تولید رسیده باشد نیز باعث تورم می‌شود. تقاضای اضافی می‌تواند با افزایش حجم پول از سوی دولت یا با افزایش جمعیت پدید آید.^(۲) در هر دو حالت تورم (cost - push یا demand - pull)، رفتار بازرگانان در جهت ایجاد تعادل در بازارهای مختلف است. حال، اگر یکی از بازارهای اساسی یا کلیدی دچار عدم تعادل شود، امکان وجود شرایط عدم تعادل برای سایر بازارها وجود دارد. افزایش قیمت نفت در دهه ۱۹۷۰ یکی از عوامل بروز عدم تعادل در بازارهای مختلف کشورهای واردکننده نفت بود.

رفتار بازرگانان از دو جهت با اهمیت است: اول، کنترل تقاضای کل (AD) و دوم عرضه کل (AS). در مورد اول، تجار با مردم و از سوی دیگر، با تولیدکنندگان رابطه پولی برقرار می‌کنند. هرگونه سوء رفتار در پرداخت یا قابلیت عدم پرداخت در طول زمان، رابطه بین بازرگانان عمده فروش و خرده فروش را در زنجیره تولید - مصرف به مخاطره می‌اندازد. برای مثال، یک آتش سوزی عمده در انبار کالا می‌تواند رفتار بازرگانان را با مجموعه بانک‌ها، مؤسسات بیمه، تولیدکنندگان و بازار بهم ریخته و در افزایش قیمت‌ها تأثیرگذار باشد. بر این اساس است که در بازارهای بزرگ، اولین واکنش نسبت به آتش سوزی انبارها، اعلام آمادگی مدیران شرکت‌های بزرگ برای عرضه کالا با قیمت‌های رقابتی برای حفظ سهم بازار و ایجاد شرایط تعادل است. بنابراین، ایجاد هرگونه ابهام در بازار به منزله قطع جریان روند دریافت و پرداخت نقدینگی و به بن‌بست رسانیدن اخلاق اقتصادی در بازار

● شرایط اقتصادی و مدیریت ارتباطی ضعیف و قانون‌گریز باعث شده‌اند که اعتبارات پولی به شکل "دسته چک" بیشتر از توان عرضه واقعی پول به جریان بیفتد.



نهادهای اجتماعی مانند دانشگاه‌ها، بازار را به زیر شلاق انتقاد گرفتند، بدون آنکه هیچگاه علت این کجرفتاری‌ها شناسایی شود.

اطلاعات بازار محرمانه بود و اطلاعات دولت محرمانه‌تر و همه برای قربانی گرفتن آماده شده بودند تا بیکاران فرصت طلب را در بازار به دام بیندازند. این حمله در حالی شکل می‌گرفت که هیچکس حاضر نبود برای ایجاد فضای اشتغال کامل راهی را پیش پا بگذارد. نظامی‌گری و "ژاندارمی منطقه" مناسبترین الگوی پیشنهادی بود که متأسفانه هنوز طرفداران خود را دارد.

با وجود این، ساختار اقتصادی همه روزه‌عده‌ای را به جرم عدم قابلیت پرداخت بدهی روانه زندان می‌کند و سازمان‌های عریض و طویل بانک‌ها هم به بررسی وضعیت و جوه غیر قابل وصول رو آورده‌اند. به عبارت ساده‌تر، بخش قابل توجهی از قوای انتظامی، بانک‌ها و قوه قضاییه درگیر جنگ و گریز پیامدهای نامطلوب این اقتصاد گریز پا هستند و هیچگاه مدیریت سیاسی جامعه حاضر به قبول این واقعیت نشد که مشکلات اقتصادی ناشی از شیوه نگاه قانون به ساختار اقتصادی است، و گرنه اقتصاد نمی‌تواند خود به خود "بیمار" باشد، چرا که عوامل اقتصادی در کمترین فرصت‌ها، بهترین عملکردها را از خود نشان داده‌اند، اما منافع آن برای کیست و چه کسانی بهره‌نهایی را می‌برند، از "اسرار" است.

با وجود این، روند نابسامانی اقتصادی همه روزه عده بیشتری از مردم را که دیگر به علت "چند اشتغالی" نمی‌توان آنها را صرفاً بازاری دید و غالباً در کسوت کارمندان دولت نیز انجام وظیفه می‌کنند، به کام نابودی می‌برد و تنش‌های ناشی از فضای عدم اطمینان به جریان‌ات درآمدی اقتصاد، قربانیان بیشماری را به سوی سایر جرایم، از جمله مواد مخدر کشانده است.

در شرایط اقتصادی امروز ایران، تمامی جرایم ریشه در نابسامانی اقتصاد دارند. رفتارهای نامناسب اجتماعی به دلیل تقاضاهای کاذب برای مصرف، موجب شده است که بیشتر جوانان یا گرایش شدید به سوی مصرف کالاهای لوکس، که امروزه آنها را ضروری طبقه بندی می‌کنند، با شتاب فزاینده‌ای به سوی کسب درآمدهای کاذب رانده شوند. این روند به ناچار عده‌ای را قربانی خواهد کرد. قربانیانی که برای داد و ستدهای تجاری معوقه، با یک دسته چک، مرتباً در بازارهای مختلف در حرکت هستند و به هیچ روی نمی‌توان جلوی آن را سد کرد. به عبارت ساده‌تر، بخشی از قربانیان مواد مخدر، بیمارستان‌ها و جاده‌ها نیز محصول تنش‌های نامناسب داد و ستدهای مالی هستند که باید آنها را دریافت و نگذاشت در این باتلاق جان خود را از دست بدهند.

و... را جزو کارکنان غیر موند معرفی کرد.^(۵) البته باید توجه داشت که نگاه Baran، کارمندان دولت، کارکنان پایگاه‌های نظامی، کارشناسان روابط عمومی و... را نیز شامل می‌شد.

با این برخورد اجتماعی، به طور طبیعی نگاه سرزنش آمیز "به کار در بازار" محتوی فعالیت در بازار را تهی کرد و ارزش‌های این نهاد اقتصادی را به باد داد. لذا بیکاران نیز که خود را از درون "فروپاشیده" می‌دیدند، روانه کار در بازار شدند. سپس برخورد بازار با هجوم بیکاران، نظم اساسی تعادل در بازارها را بهم ریخت و دولت با هدف فروپاشی بازار از این نابسامانی بهره جست: از یک سو، بیکاران با هدف "فرصت طلبی" و از سوی دیگر، دولت با "عرضه بی‌رویه پول" بازار را مورد تهاجم قرار دادند. امروز نتیجه این تاخت و تاز را در صحنه اقتصادی کاملاً مشاهده می‌کنیم و می‌بینیم که چگونه بازار از یک حالت پویا به یک ایستایی مطلق دچار شده و بدین ترتیب، ده‌ها هزار نفر قربانی توطئه‌ای شدند که ناخواسته بر جامعه تحمیل گردید. قوه قضاییه هم به منظور اجرای قانون و با هدف جلوگیری از بی‌نظمی در اقتصاد، به تنبیه روی آورد، تنبیه قربانیانی که نه سازماندهی داشتند و نه برای این ساختار تربیت شده بودند. نتیجه اینکه صدها هزار خانواده بی‌سرپرست شدند و فضای هولناک آکنده از فساد مالی و اقتصادی، چهره اخلاقی مردم را مخدوش کرد.

در این میان، هیچیک مقصر نبودند و همه قربانی سرمایه‌داری انحصاری شدند که دولت آن را حمایت می‌کرد. دولت، بازاری شد و بازاریان، دولت‌مرد گردیدند: نقش‌هایی که برای هیچیک زیبنده نبود. دولت، از کار اصلی خود جدا شد و بازار، خدمات رسانی را رها کرد. در واقع، کشورهای در حال توسعه قربانیان نظریه پردازانی شدند که جهان اقتصاد را از منظر سرمایه‌داری غرب ارزیابی می‌کردند و به علت فقدان نظریه‌های پویا در کشورهای در حال توسعه، دنباله روی از نظریه پردازان کشورهای صنعتی هم اجتناب ناپذیر بود.

قربانیان اقتصاد

بدین ترتیب، بازار به "سلاخ خانه" ای تبدیل شد که به هیچکس رحم روانداشت و به بهترین یاران خود هم خیانت کرد. برادر، برادر را از صحنه اقتصاد بیرون انداخت و روش انحصار طلبی به شدت قوت گرفت. ورشکستگی پشت ورشکستگی روی داد و بهترین ارزش‌های هزاران ساله این نهاد را که در حفظ ارتباط بین اقوام مؤثر واقع شده بود، به بیرون انداخت. اعتماد، عزت نفس، همیاری، اجتناب از فساد و ظلم و رباخواری که همه و همه مختصات درونی بازار بودند، به بیغما رفتند و بهترین

● از جمله خیانت‌هایی که به بازار شد، متهم کردن بازار به "غیر مولد" بودن است.

● تا زمانی که هویت ساختار اقتصادی روشن و شفاف نشود، نمی‌توان از قوه قضاییه انتظار معجزه داشت.

شوند و مباحث نظری اقتصادی را با مسایل حقوقی رو در روی یکدیگر قرار دهند، حوزه‌هایی که آشتی‌پذیری آنها امر ساده‌ای نیست و تأمل زیاد می‌خواهد تا راه‌حل مطلوبی برای آن پیشنهاد شود.

پیشنهاد

اصولاً، ارایه پیشنهاد در مباحث نظری با فرض قبول یک مکتب فکری مورد توجه قرار می‌گیرد. بنابراین، اگر اساس نظریه آزادسازی^(۷) به عنوان محور اصلی تحول مورد پذیرش قرار گیرد، آنگاه محورهای اساسی پیشنهادی به دو محور اصلی در حوزه مورد مطالعه خلاصه می‌شود: اول، خصوصی سازی سیستم بانکی، به نحوی که نظام بانکداری دولتی کلاً حذف شود تا نرخ بهره (سود) واقعی روند سرمایه‌گذاری و پس‌انداز را اصلاح سازد و بین این دو متغیر اساسی اقتصاد تعادل ایجاد کند. دوم، آزادسازی بازارها به نحوی که بازار کالاها و خدمات، بازار سرمایه و بازار نیروی کار هر سه بتوانند بستر تعادل عمومی را در ساختار اقتصادی هموار سازند.

اگر چه پذیرش این پیشنهاد با موانع قانونی روبرو است، اما تا زمانی که هویت ساختار اقتصادی روشن و شفاف نباشد، نمی‌توان برای جلوگیری از جرایم اقتصادی از قوه قضاییه هیچگونه انتظاری داشت. ■

منابع

- 1- Oxford Dictionary of Economies /1977/ p.59.
- 2- Oxford Dictionary of Law /1977/ p.70.
- 3- Boyes, W.J /1988/ Macroeconomics, Intermediate Theory & Policy/2nd ed./ p.65/South . West. Pub.Co.
- 4) قره‌باغیان، مرتضی /۱۳۷۶/ فرهنگ اقتصاد و بازرگانی / صفحات ۱۴۵ و ۱۷۷ / مؤسسه خدمات فرهنگی رسا / چاپ دوم.
- 5) باران، پاول /۱۹۷۸/ اقتصاد سیاسی رشد / ترجمه آزاد منش / صفحه ۱۳۹ / انتشارات خوارزمی.
- 6) این حالت Crowded Out خوانده می‌شود و آن در شرایطی است که سرمایه بخش خصوصی در اثر سیاست‌های انبساطی مالی کاهش می‌یابد. مراجعه شود به Boyes.
- 7) عبیری، غلامحسین /۱۳۷۹/ آزادسازی: نظریه‌ها، روش‌ها و کاربردها / فصل دوم / صفحات ۱۳-۲۶ / انتشارات ثمین.

انتظارات کور

در سطح کلان، منحنی‌های تقاضای کل مورد انتظار و عرضه کل مورد انتظار در شرایط عدم اطمینان محدوده تصمیم‌گیری را نامعین می‌سازند، لذا فرضیه انتظارات عقلایی که در شکل دادن به ارزش‌های آتی متغیرهای اقتصادی انسان را هدایت می‌کند، با بحران روبرو می‌شود. حال، اگر به طور مستمر تورم گذشته پشت سر گذاشته شده باشد و روند آن نیز با رویدادهای غیر منتظره در تغییر باشد، انتظارات بازرگانان از روند آتی تجارت و داد و ستد به نقطه کور برخورد نموده و هرگونه واکنش آنان را در هاله‌ای از ابهام قرار می‌دهد. به عبارت ساده‌تر، هیچگونه انتظارات انطباقی (Adaptive Expectation) برای بازرگانان وجود ندارد که براساس آن، روند آتی تجارت را پیش‌بینی کنند. عدم پیش‌بینی روند تقاضا برای پول - پولی که برای تأمین مالی امر بازرگانی مورد نظر است - انگیزه‌های معاملاتی (Transaction)، احتیاطی (Precautionary) و سفته‌بازی (Speculative) را با ریسک روبرو کرده، قدرت ریسک‌پذیری را در بازرگانان با تجربه کاهش داده و برای بازاریان کم تجربه افزایش می‌دهد. مشاهدات عینی از شرایط اقتصادی ایران در دهه ۱۳۷۰ نشان می‌دهد که جوانانی کم تجربه به ثروت‌های کلانی دست یافته‌اند و بازرگانان حرفه‌ای از این رانت‌های اقتصادی بی‌بهره مانده‌اند.

عدم تعادل در برخی از بازارها نیز سودهای کلانی را به دنبال داشت در برخی دیگر از بازارها ضررهای هنگفتی را به سرمایه‌داران تحمیل کرد. این وضع، در شرایطی پدید آمد که دولت دامنه تأثیرات سیاست‌های مالی (Fiscal Policy) را نمی‌توانست پیش‌بینی کند و بدین ترتیب، سرمایه‌های زیادی را از بازار داخلی به خارج روانه ساخت،^(۸) اما تبعات اقتصادی این انتقال سرمایه، همانا عدم قابلیت واکنش مناسب عرضه پول بود و از آنجا که عرضه پول نیز حالت انبساطی داشت، لذا انگیزه‌های معاملاتی در برخی از بازارها به شدت افزایش یافت و چون سایر بازارها نیز تعادل در هماهنگ‌سازی را در خود نمی‌دیدند، لذا عده کثیری از تجار، بازرگانان و بازاریان با ورشکستگی روبرو شدند. تعادل در بازارها نیز از هم گسیخت و سرعت تزریق پول - عرضه پول، چنان زیاد بود که توان رویارویی در سطوح خرده فروشی اصولاً وجود نداشت و در حوزه جرایم اقتصادی که نه تنها چک را در برمی‌گرفت، بلکه بازار کالاها را قاچاق را نیز شامل می‌شد، پیامدهای نامطلوبی را بر جای گذاشت.

در هر صورت، سطوح انتظارات کور فراوان باعث شدند که قربانیان اقتصادی در طول زمان بحران به سرعت افزایش یابند و جرایم از حوزه کنترل اقتصادی خارج



● دیدگاه سرمایه‌داری انحصاری دولتی باعث شد که دولت، بازاری شود و بازاری، دولتمرد؛ نقش‌هایی که برانزنده هیچ یک نبود.